

بررسی چگونگی روش مطلوب تربیتی والدین با فرزندان بر اساس آموزه های تعلیم و تربیت اسلامی (با تأکید بر عنصر محبت)

دکتر معصومه صمدی
پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

چکیده

محیط خانواده یکی از مهم ترین کانون های تأثیر گذار بر رشد روانی است یکی از مؤلفه های برجسته نظام خانوادگی، چگونگی برخورد والدین با فرزندان است که در تکوین شخصیت و همچنین سازگاری آنان با شرایط مختلف اجتماعی دارای آثار وسیعی است.

هدف از مقاله حاضر، بررسی چگونگی روش مطلوب تربیتی والدین با فرزندان بر اساس آموزه های تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر عنصر محبت و همین طور پیامدهای آن بر رشد روانی فرزندان است.

روش این پژوهش کتابخانه ای است. برای رسیدن به اهداف پژوهش از سندکاوی به صورت تحلیل سند نیز سودجسته ایم. داده ها در این پژوهش به صورت مستمر مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته اند.

روش مطلوب تربیتی با توجه به آموزه های تربیت اسلامی روشی است که والدین ترکیبی متعادل از پذیرش یا محبت و توقع یا کنترل و مشارکت، تدرج و تمکن، تسهیل و تسبیر، کرامت و عزت را در رابطه با فرزندان خود اعمال کنند. البته تأکید این مطالعه در بررسی عناصر روش مطلوب تربیتی، بر بررسی عنصر محبت به عنوان یکی از عناصر روش مطلوب تربیتی والدین و پیامدهای مترتب بر آن است. به کار بستن این عنصر (محبت) توسط والدین در برخورد با فرزندان دارای پیامدهای بسیاری است که از جمله می توان به دوراندیشی، شکست ناپذیری، عزت نفس، کرامت نفس و مصونیت در مقابل ناهنجاری های روانی اشاره نمود. کلیدواژه ها: شیوه مطلوب تربیتی، محبت، رشد روانی و پیامدهای تربیتی و تربیت اسلامی.

مقدمه

یکی از عناصر اساسی شکل‌گیری هر جامعه‌ای خانواده است. خانواده، نخستین محیطی است که انسان را تحت تأثیر فضا و روابط و مناسبات خود قرار می‌دهد. اگر چه تحولات اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر تأثیرات مثبت و منفی و تغییرات بی‌شماری در عملکرد خانواده ایجاد کرده و کار را به جایی رسانده است که برخی کشورهای پیشرفته صنعتی بر داشت‌های تازه‌ای از مفهوم خانواده پیدا کرده و رسانه‌های جمعی نیز به این برداشت‌های جدید دامن زده‌اند، اما اکثر مردم همچنان بر ضرورت وجود خانواده طبیعی به عنوان نهاد اساسی زندگی اجتماعی انسان تأکید می‌کنند (لطف آبادی، ۱۳۷۹).

به نظر می‌رسد یکی از دلایل تأکید بر کانون خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی این است که این کانون اولین کانونی است که با عملکرد مطلوب خود زمینه را برای رشد فرزندان در ابعاد مختلف یا بالعکس با عملکرد نامطلوب خود زمینه را برای ایجاد اختلال روانی فراهم می‌نماید.

خانواده به عنوان یک کانون اجتماعی، دارای مؤلفه‌هایی است. یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در چارچوب خانواده بر رشد فرزندان به ویژه رشد روانی آنان به چگونگی روش‌های تربیتی والدین در چارچوب خانواده مربوط می‌شود. روش تربیتی والدین در تکوین شخصیت و همچنین سازگاری آنان با شرایط مختلف اجتماعی مؤثر است. بر اساس آموزه‌های تربیت اسلامی ریشه بسیاری از انحرافات شخصیتی و اجتماعی فرزندان را باید در روش‌های نامطلوب تربیتی والدین با فرزندان جستجو کرد.

هدف از مقاله حاضر، بررسی چگونگی روش مطلوب تربیتی والدین با فرزندان بر پایه آموزه‌های تربیت اسلامی و همین‌طور پیامدهای ناشی از آن بر رشد روانی آنان است.

بیان مسئله

اولین کانون تربیت و یکی از مهم‌ترین کانون تربیت نهاد خانواده است. یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌های رحمت و مودت، محیط خانواده است. خانواده کانونی است که برای رفع نیازی که همه انسان‌ها در آن اشتراک دارند، یعنی نیاز به محبوب واقع شدن و محبت کردن، بنا شده است (اکرمی، ۱۳۸۳).

بیان قرآنی «...هن لباس لکم و انتم لباس لهن» (بقره / ۱۸۷) ... آنها جامه‌سترو عفاف شما هستند و شما نیز لباس عفت آنها هستید. مبین این نکته است.

همان‌سان که لباس نگهدارنده بدن است رابطه همسری پوششی است برای در امان ماندن از انحرافات، یعنی زن و مرد پوشاننده و بر طرف‌کننده همه نیازهای جسمی و عاطفی و معنوی یکدیگرند. خانواده عاملی مهم در شکل‌گیری شخصیت افراد است زیرا فرزندان رفتار و عادات خود را از خانواده می‌آموزند و از اعضای خانواده تقلید می‌کنند. فرزندان نخستین درس محبت و دوستی، و بغض و دشمنی را در خانه از اعضای خانواده فرا می‌گیرند. خانواده بهترین بستر برای رشد عواطف و کمالات انسانی در فرزندان و فراهم نمودن محیطی سالم و پر از آرامش، عاطفه و دوستی است. در چنین محیطی است که، فرزندان احساس آرامش و امنیت می‌کنند و خصلت‌های انسانی در آنها شکل و روز به روز گسترش می‌یابد. خدای سبحان خانواده را کانون آرامش و دوستی معرفی می‌کند، چنان که می‌فرماید:

«و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» (روم / ۲۱).

از نشانه‌های او این است که از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام‌گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری در این نعمت برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.

اعتقادات فرزندان نسبت به خدا، جهان و انسان از درون خانواده ریشه می‌زند و در زمینه مناسبات خانوادگی رشد می‌کند تا جایی که فرزندان دین خانواده را می‌پذیرند، چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است:

«کل مولود یولد علی الفطره، فابواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶).

هر نوزادی بر فطرت الهی به دنیا می‌آید، پس پدر و مادر او را به دین یهود و نصرانی و زرتشتی گرایش می‌دهد.

بدین ترتیب خانواده مهم‌ترین محیط تربیتی است و اساس شخصیت فرد از آنجا شکل می‌گیرد. از این رو، مطالعه عملکرد خانواده یکی از موضوعات مهم و حساس است که با زندگی تمام مردم، و سرنوشت آنان ارتباط تنگاتنگ دارد و هرگز نمی‌توان آن را در ردیف قضایای ثانویه و دسته دوم قرارداد که در پیشرفت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نقشی نداشته است. چرا که خانواده به عنوان هسته نخستین تشکیل ساختمان جامعه به شمار می‌رود.

خانواده به عنوان یک کانون و مهم‌ترین کانون تربیتی مرکب از مؤلفه‌هایی است. یکی از مؤلفه‌های کانون خانواده، چگونگی برخورد والدین با فرزندان است. اهمیت چگونگی برخورد والدین با فرزندان در حدی است که می‌تواند رشد روانی فرزندان را در زمینه‌های مختلف اخلاقی، اجتماعی عاطفی و اخلاقی تضمین و بالعکس، زمینه‌ساز انواع اختلالات و ناهنجاری‌های روانی و معضلات اجتماعی شود. از دلایل این معضلات، عدم آگاهی والدین نسبت به چگونگی برخورد مناسب و ایجاد ارتباط با فرزندان است. این عدم آگاهی، به شکل اختلال در روابط والدین با فرزندان نمود پیدا می‌کند. بروز این اختلال در روش‌های تربیتی والدین به صورت محبت افراطی و کنترل‌های افراطی متجلی می‌شود.

سؤالی که اینک مطرح است این است که بر اساس آموزه‌های تربیت اسلامی در چارچوب خانواده (براساس عنصر محبت) چه نوع روش تربیتی ضامن رشد روانی فرزندان خواهد بود؟ و دیگر این که پیامدهای این روش مطلوب تربیتی (با تأکید بر عنصر محبت) بر رشد روانی فرزندان چه خواهد بود؟

اهمیت و ضرورت موضوع

موضوع چگونگی تربیت فرزندان یکی از عواملی است که ذهن اکثر علمای تعلیم و تربیت اسلامی را به خود مشغول داشته است. زیرا باور عمومی بر این است که توانایی‌های فکری بشر یکی از ارزنده‌ترین منابع ملی هر کشوری است که چنانچه زمینه باروری این توان عظیم انسانی فراهم گردد و از ظرفیت ذهنی بشر در سطح مطلوب استفاده شود بسیاری از معضلات و مشکلات فعلی فرا روی بشر امروزی نخواهد بود.

از جمله مسائلی که ذهن والدین را به خود مشغول داشته است مسئله چگونگی اتخاذ روش مطلوب تربیتی با فرزندان است تا آنها بتوانند از توانمندی‌های بالقوه و استعداد‌های درونی فرزندان خود به نحو مطلوب بهره‌برداری نمایند. امروزه از آن جایی که در دنیای پیچیده کنونی سیل اطلاعات متنوع و گوناگون و بعضاً ضد و نقیض به حدی است که نمی‌تواند پاسخگوی سؤالات بی شمار کودکان، نوجوانان و جوانان باشد و از به انحراف کشیدن ذهن آنها جلوگیری نماید، به همین دلیل از اهداف والدین در برخورد‌های تربیتی با فرزندان این است که فرزندان تربیت کنند که دارای کنترل درونی بوده و قدرت نظارت بر خود و بازنگری در اعمال خود و پذیرش مسئولیت را دارا بوده و از حداکثر کارائی برای تغییر شرایط محیطی خویش به منظور استفاده بهینه از توانمندی‌های فطری و امکانات محیطی برخوردار باشند و از

تسلیم شدن به شرایط تهدید کننده محیطی پرهیز نمایند. از ملزومات دستیابی به چنین هدفی، مجهز نمودن والدین به روش های مطلوب تربیتی با فرزندان است. از این روست که آگاهی از شیوه مطلوب تربیتی برای والدین امری مهم و ضروری است.

اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش بررسی شیوه مطلوب تربیتی والدین (با تأکید بر عنصر محبت) و پیامدهای آن بر رشد روانی فرزندان بر اساس آموزه های تربیت اسلامی است.

اهداف ویژه پژوهش

۱- آگاهی از شیوه مطلوب تربیتی والدین (با تأکید بر عنصر محبت) بر اساس آموزه های تربیت اسلامی.

۲- آگاهی از پیامدهای شیوه مطلوب تربیتی والدین (با تأکید بر عنصر محبت) بر رشد روانی فرزندان.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی^۱ است و برای رسیدن به اهداف پژوهش از سند کاوی به صورت تحلیل سند^۲ نیز استفاده شده است. داده های حاصله به طور مستمر مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته اند. لذا در این پژوهش ضمن مطالعه مستمر، ابتدا داده ها به طور جداگانه مقوله بندی گردیده و سپس مقوله های مورد مطالعه کد گذاری، دسته بندی و آن گاه مورد تفسیر قرار گرفته اند.

شیوه مطلوب تربیتی چیست؟

عملکرد خانواده به توانایی آن در هماهنگی با تغییرات و حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل سیستم خانواده مربوط می‌شود.

یکی از متغیرهای بنیادی که به راههای گوناگون بر فرد مؤثر است و بر رفتارهای حال و آینده تأثیر انکارناپذیری دارد، چگونگی برخورد والدین با فرزندان است. خانواده اولین محل ارتباط اجتماعی کودک به شمار می‌رود. در سال‌های اولیه تنها روابط موجود برای کودک رابطه او با والدینش است. کنش متقابل و رابطه عاطفی بین والدین و فرزندان به انتظارات و واکنش‌های فرزندان در روابط اجتماعی آینده شکل می‌دهد. اعتقادات، ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی توسط والدین پالایش می‌شوند و به صورتی بسیار منسجم و منتخب به فرزندان ارائه می‌شود. شخصیت، نگرش‌ها، طبقه اجتماعی، اقتصادی، عقاید مذهبی، تحصیلات و جنسیت پدر و مادر در ارائه ارزش‌های فرهنگی و معیارهای آنها به فرزند تأثیر می‌گذارد.

تحقیقات معاصر روی شیوه‌های تربیتی والدین با فرزندان از کودکان و خانواده‌های آنان نشأت گرفته است (بامریند، ۱۹۷۱ به نقل از گلاسکو و همکاران، ۱۹۹۷). به اعتقاد (بامریند، ۱۹۷۱ به نقل از گلاسکو و همکاران، ۱۹۹۷) دو جنبه اساسی در رفتار والدین با فرزندان یعنی پاسخگو بودن و توقع داشتن، مکرراً به عنوان شاخص‌های جهانی ارتباط والدین و فرزندان که حایز اهمیت حیاتی در رشد کودکان و نوجوانان و جوانان است پذیرفته شده است.

«پاسخگو بودن» حاکی از آن دسته از رفتارهای والدین است باعث اطمینان خاطر در فرزندان می‌شود. این دسته از والدین حساسیت بالایی نسبت به مسائل فرزندان از خود نشان می‌دهند. بیشتر از تشویق و به ندرت از تنبیه استفاده می‌کنند.

در حالی که «توقع داشتن» حاکی از آن دسته از رفتارهای والدین است که با سخت‌گیری زیاد و قرار دادن چارچوب‌های بسیار تنگ در حوزه فعالیت فرزندان تداعی می‌شود. این دسته از والدین از فرزندان خود می‌خواهند کاملاً مطیع باشند و هیچ مخالفتی در مقابل والدین و بزرگسالان از خود نشان ندهند.

به اعتقاد دورنبوش و همکاران (۱۹۹۰، به نقل از لطف آبادی، ۱۳۷۹) آن چه در شیوه تربیتی والدین مطلوب است این است که والدین از یک سو پاسخگوی محبت و صمیمیت مورد نیاز آنان باشند و از سوی دیگر کنترل کافی بر رفتار آنان داشته باشند. برخورد این دسته از والدین (والدینی) که ترکیب متعادل از محبت و پاسخگویی را در برخورد با فرزندان مورد استفاده قرار می‌دهند) با فرزندان بدین گونه است که:

۱- به نیکی ذات انسان معتقد و به این نکته اذعان دارند که اگر به این نیکی بها داده شود، توانایی‌های بالقوه انسان شکوفا خواهند شد.

۲- همیشه بر رفتار کودک تأکید دارند و هرگز خود او یا شخصیتش را مخاطب قرار نمی‌دهند. این والدین به دلیل این که کودک خلافی انجام داده وی را طرد نمی‌کنند و تمام توجه خود را به اصلاح رفتار اختصاص می‌دهند و هرگز سعی نمی‌کنند او را هراسان و پریشان سازند و یا مقصر جلوه دهند.

۳- به مشکلات فرزندان، به عنوان مشکلی که نیاز به راه حل دارد توجه می‌کنند، نه به عنوان رفتاری ناپسند که فرزندان عمداً برای ناخشنود کردن والدینشان انجام می‌دهند.

۴- سعی می‌کنند همواره فقدان دانش فرزندان را اصلاح کرده و به آنها مهارت و اندیشه لازم برای مقابله با مشکلات و ناکامی‌ها را ارائه دهند. زیرا اعتقاد دارند که هیچ فردی نمی‌تواند ناملازمات اجتماعی را تحمل کند، مگر آن که خود را برای مقابله با ناملازمات آماده نماید.

۵- فرزندان خود را برای مقابله با مصائب زندگی آماده می‌سازند و اعتقاد دارند که رفتارهای اشتباه آنان برای رسیدن به بلوغ فکری و مقابله با مشکلات دوران بزرگسالی ضروری است (براون و فرانسیس^۱، ۱۹۹۳).

۶- در هنگام آموزش فرزندان خود بدون کوچک‌ترین خشونت و فشاری به آنها می‌آموزند که با ارزش‌ترین هدیه در زندگی خودنظمی^۲ است. چرا که تمام نعمات این جهان به تدریج از بین می‌رود، مگر آن که با نظم و ترتیب و به نحو احسن مورد استفاده قرار بگیرد. این والدین قاطع و جدی هستند و نقاط ضعف فرزندان خود را نمی‌پسندند ولی آنها را در این نقائص و کمبودها مقصر نمی‌دانند و آنان را سرزنش نمی‌کنند بلکه توقعات خود را مورد بررسی قرار می‌دهند (دورنبوش و همکاران، ۱۹۹۰، به نقل از لطف آبادی، ۱۳۷۹).

به اعتقاد آیزنبرگ و لوسویا (۱۹۹۷) پاسخگویی والدین نسبت به فرزندان دارای اثراتی است. از جمله این اثرات این است که باعث عزت نفس، مناسبات سازنده و رضایت بخش با دیگران، توانایی دقت کردن به جوانب مختلف مسائل و احساس با کفایتی از هویت خود در فرزندان می‌شود. در حالی که برعکس، عدم پاسخگویی والدین به نیازهای فرزندان با مشکلات شناختی و تحصیلی، روابط نا بهنجار اجتماعی، اختلالات عصبی، آشفتگی‌های روانی - زیستی و ارتکاب جرایم در فرزندان همراه است.

تأکید یافته‌های روانشناسی بر دو عامل پاسخگویی و توقع داشتن و ترکیب متعادل آنها به عنوان دو عامل مهم و برجسته در شیوه‌های مطلوب تربیتی والدین در حالی است که اسلام دید جامع و کامل تری نسبت به شیوه مطلوب تربیتی والدین ارائه داده است. در مکتب تربیتی اسلام علاوه بر دو عامل پذیرش (محبت) و توقع داشتن (کنترل) به عوامل دیگری از قبیل مشارکت، تسهیل و تیسیر، تدرج و تمکن، کرامت، عزت و ترکیب متعادل این عوامل، پرداخته است.

عناصر روش تربیتی اسلام

در نظام تربیت اسلامی اولین بعد در روش مطلوب تربیتی، بُعد «محبت» است. که از آن جایی که تمرکز این مقاله بر روی این بعد از تربیت است نسبتاً مفصل به آن پرداخته شده است.

بعد دوم در روش مطلوب تربیتی بعد «کنترل کنندگی» که با تعبیرهایی از قبیل مطالبه کنندگی، توقع داشتن یا محدود کردن تداعی می‌شود و با انضباط همراه است. این بعد از رفتار والدین حاکی از این است که این دسته از والدین قوانین واضحی را وضع می‌کنند و به طور پیوسته این قوانین را اجرا می‌کنند و همچنین دلیل و منطق این قوانین و محدودیت‌ها را توضیح می‌دهند و از فرزندان توقع دارند که رفتار درستی داشته باشند، بتوانند با ناملایمات مقابله کنند (لطف آبادی، ۱۳۷۰).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند:

«رحم الله من اعان ولده علی بره، قال: قلت کیف یعینه علی بره؟ قال یقبل میسوره و یتجاوز عن معسوره و لا یرهقه و لا یخرق به...» (حر عاملی، ۱۱۰۴ق: ۱۹۹).

خداوند رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکویی اش یاری کند. راوی

گوید: پرسیدم چگونه فرزند خود را بر نیکویی اش یاری کند؟

حضرت در جواب فرمودند: آنچه را که در وسع و توان کودک باشد و آن را انجام دهد، بپذیرد و از آنچه که بر کودک سخت و دشوار است درگذرد و با تحمیل کارهایی فوق طاقت، به او ستم روا ندارد و در رفتار با او درستی و سختگیری نشان ندهد.

از این روایت این گونه استنباط می‌شود که آن چیزی که از «کنترل و سخت گیری» ابزار تربیتی می‌آفریند، کنترل و سخت گیری در حد طاقت است نه کنترل و سخت گیری فوق طاقت از این روست که لازم است مریبان در فرایند تربیت از اجبار و سخت گیری بیش از حد نسبت به مریبان خودداری نمایند.

بُعد سوم در تعامل مطلوب والدین با فرزندان «مشارکت دادن» به معنی شرکت دادن فرزندان در تصمیم گیری‌ها و تشویق نمودن آنان جهت مسئولیت‌پذیری متناسب با سن و مستقل عمل نمودن است. والدین موفق در فرایند تربیت نسبت به نیازها و دیدگاه‌های فرزندان پاسخ دهنده هستند و آنان را تصمیمات خانواده دخالت می‌دهند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

«الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین» (حر عاملی، ۱۱۰۴ق:

۱۹۵).

فرزند در هفت سال اول سرور، در هفت سال دوم مطیع و در هفت سال سوم وزیر است.

از این رو در هفت سال اول باید مورد احترام قرار گیرد و در هفت سال دوم باید در تحت تعلیم و تأدیب قرار گیرد و در هفت سال سوم باید به عنوان مشاور، پشتیبان و پشتیبان نگریسته شود. مشورت کردن با فرزندان نوعی جلب مشارکت آنان بوده و موجب رشد و تعالی شخصیت آنان می‌گردد. چه با این کار فرزندان احساس مفید

بودن و مستقل بودن کرده و راه مبارزه با مشکلات و یافتن راه حل در آنان شکوفا می‌شود و اعتماد به نفس در ایشان تقویت می‌گردد.

بعد چهارم در روش مطلوب تربیتی به کار بستن اصل «تدرّج و تمکّن» است. لازم به ذکر است که سیر تربیت کردن و تربیت پذیری امری تدریجی است و جز با استمرار و رعایت توانایی و قدرت افراد تحقق نمی‌یابد. این امر در هر حرکت و فعل تربیتی باید مد نظر قرار گیرد تا تربیت به نتیجه برسد. ملاحظه تفاوت‌های فردی در تربیت از مهم‌ترین اصول تربیت است. انسان‌ها از نظر طبیعی به هیچ روی یکسان نیستند. از این رو هنر والدین و مربیان در امر تربیت این است که با هر فرزندی به اندازه وسع و توانش برخورد نمایند. در قرآن کریم آمده است که:

«لا تکلف نفس الا وسعها» (بقره / ۲۳۳).

هیچکس را تکلیف جز به اندازه طاقت نکنند.

یا در جایی دیگر از قرآن آمده است که:

«لا یكلف الله نفسا الا وسعها» (بقره / ۲۸۶).

«خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند».

بعد پنجم در روش تربیتی مطلوب به کار بستن اصل «تسهیل و تیسیر» است. تسهیل و تیسیر به معنای آسان کردن و آسان گردانیدن است. مراد از این اصل آن است که مربیان در هر حرکت تربیتی باید مسیرهای ساده و آسان را به روی متریان باز نمایند تا انگیزه و علاقه را در آنان برای طی مسیر موجب شوند. در این راستا است که در قرآن کریم آمده است:

«قتل الانسان ما اكفره من اى شى خلقه من نطفه خلقه فقدره ثم السبيل

یسره» (عبس / ۱۷-۲۰).

ای کشته باد انسان بی ایمان چرا تا این حد کفر و عناد می ورزد؟ نمی نگرد از چه چیز خلق شده است؟ از آب نطفه بی قدری خدا بدین صورت زیبا خلقش فرمود سپس راه خروج از نقص به کمال را بر او سهل و آسان گردانید. از این آیه این گونه استنباط می شود که علی رغم ناسپاسی انسان نسبت به خالق، خالق هستی راه سعادت و خوشبختی برای انسان آسان نموده است. و در جایی دیگر می فرماید:

«یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر» (بقره / ۱۸۵).

«خداوند برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد.»

و همین طور در جای دیگر آمده است که:

«و ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج / ۷۸).

و در دین برای شما سختی قرار نداده است.

همان طوری که از این آیات استنباط می شود خالق رحمان شریعت خود را برای بندگان آسان گردانیده است تا آنها بتوانند به کمالات متصف شوند. از این روست که یکی از عناصری که مریبان در فرایند تربیت باید همواره مدنظر داشته باشند این است که آسان سازی گام های تربیت و هموار نمودن دستیابی به اهداف را مدنظر قرار دهند.

از آن جایی که بررسی عمیق هر کدام از عناصر سابق الذکر موضوع مقاله ای جداگانه است به همین دلیل در این مقاله به بررسی عنصر محبت به عنوان یکی از عناصر روش مطلوب تربیتی پرداخته شده است.

محبت، عنصر اساسی در روش تربیتی اسلام

براساس آیات و روایات واصله در باب تربیت یکی از مؤلفه‌های روش مطلوب تربیتی، «محبت» است. «محبت» حاکی از آن دسته از رفتارهای والدین است که بیانگر پاسخگویی به نیازهای فرزندان به ویژه نیازهای روانی آنان و ابراز عواطف گرم به آنان است. از دیدگاه اسلام محبت و مهرورزی باید از دوران کودکی آغاز و پایه‌ریزی شود و بهترین افراد برای پایه‌گذاری آن پدر و مادر هستند. از این رو، در روایات در باره محبت به فرزندان از سوی والدین توصیه‌های فراوانی به عمل آمده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است:

«احبوا الصبيان و ارحمهم، فاذا وعدتموهم، فاذا فوالهم، فانهم لا يرون الا انكم ترزقونهم» (حر عاملی، ۱۱۰۴ق: ۲۰۱).

کودکان را دوست بدارید و به آنان اظهار محبت کنید، پس اگر به آنان وعده‌ای دادید، به آن وفا کنید، زیرا آنان روزی خود را به دست شما می‌بینند.

ابراز علاقه به کودکان در سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز کاملاً مشهود است و در تاریخ زندگی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) موارد متعددی، نقل شده است. علاقه شدید پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) در این زمینه معروف و مشهور است چنان که براء بن عاذب می‌گوید:

«رایت رسول الله (صلی الله علیه و آله) حامل الحسین (علیه السلام) و هو يقول: اللهم انی احبه فاحبه» (وزیری، ۱۳۸۴: ۲۰۷).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را دیدم که حسین (علیه السلام) را در بغل گرفته بود و می‌فرمود: خدایا من حسین را دوست دارم، تو نیز او را دوست بدار.

در مسیر تربیت، محبت قوی ترین عامل برای پذیرش و تفاهم است. وقتی کودک از طرف والدین مورد محبت قرار گیرد، متقابلاً به آنها علاقمند می شود و پدر و مادر را افرادی قابل اعتماد می شناسد و به حرفهای آنها گوش می دهد.

خداوند نیز بنده خود را به خاطر شدت محبت و دوستی فرزندش مورد لطف و رحمت خویش قرار می دهد. فرزندی که از محبت گرم پدر و مادر برخوردار نبوده یا نیاز او درست اشباع نشده، در معرض هرگونه فساد و انحراف خواهد بود. با توجه به این آثار است که محبت به فرزندان بهترین اعمال معرفی شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«قال موسی (علیه السلام) یا رب ای الاعمال افضل عندک؟ فقال: حب الاطفال، فانی فطرتهم علی توحیدی فان امتهم ادخلتهم جنتی برحمتی» (وزیری، ۱۳۸۴: ۲۰۹).
موسی (علیه السلام) عرض کرد: ای پروردگار من، کدام عمل نزد تو برتر است؟
خداوند فرمود: دوست داشتن کودکان، زیرا آنان را با توحید خود سرشته ام (و بر یگانگی ام آفریدم) و اگر آنها را بمیرانم با رحمتم به بهشتم داخل می گردانم.

نکته مهم و قابل توجه در این زمینه این است که در مکتب تربیتی اسلام محبت قلبی صرف، نیاز روانی فرزندان را به محبت تأمین نمی کند. فرزندان به محبتی نیازمندند که آثار آن را در رفتار پدر و مادر مشاهده کنند. محبت های قلبی باید در نوازش ها، در آغوش گرفتن ها، بوسه ها متجلی شود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«اکثروا من قبله اولادکم فان لکم بکل قبله درجه فی الجنة ما بین کل درجه خمسمائه عام» (حلی، ۱۴۰۷: ۷۹).

«فرزندان خود را زیاد ببوسید زیرا با هر بوسه، برای شما مقام و مرتبه ای در بهشت فراهم می شود که فاصله میان هر مقامی پانصد سال است.»

عدم توجه به این نیاز عاطفی در فرزندان، تضييع حق او و موجب عقوبت الهی است.

لبخندها، در نگاه محبت آمیز و در وفای به عهد نقش دارد.

از ابراز محبت در لسان آیات و روایات به «مودت» تعبیر شده است. شاید به همین جهت است که در قرآن کریم آمده است:

«قل لا اسئلكم عليه اجرا الا الموده في القربى» (شوری / ۲۳).

«به امت بگو من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در

حق خویشاوندان منظور دارید.»

از این آیه این گونه استنباط می شود که دوست داشتن خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) به صورت قلبی کفایت نمی کند و باید به زبان و در عمل نیز ظاهر گردد. از این رو در تعالیم عالیة اسلام توصیه می شود که بهتر است پدر و مادر دوست داشتن خود را به زبان آورند و چه بهتر که با نأسی به سیره معصومین (علیهم السلام) این مهرورزی زبانی، حاوی پیام و در شکل مناسب هنری بیان شود.

نکته مهم و قابل توجه در محبت به فرزندان، رعایت «اعتدال» و عدالت در ابراز محبت است چرا که تفریط در ابراز محبت، ریشه امید و نشاط را در کودک می خشکاند و خطرناک و آفت زاست و افراط در ابراز محبت نتایج نامطلوب، سلطه جویی، پرتوقعی، ناتوانی و عدم اعتماد به نفس، فاصله گرفتن از واقعیت ها، سرکشی در برابر حقیقت و احساس وابستگی شدید به پدر و مادر را در پی خواهد داشت. امام باقر (علیه السلام) در این باره فرمود:

«شرالاباء من دعاه البر ای الافراط (یعقوبی: ۳۲۰).

بدترین پدران کسی است که در نیکی به فرزندان خود به افراط و زیاده روی

کشیده شود.

علاوه بر این در ابراز محبت، نکته مهم دیگر رعایت جنس و سن فرزندان است. چه بسا ابراز محبتی که با سن فرزند تناسبی ندارد، او را لوس بار آورده و یا نتیجه معکوس می‌دهد. همچنین توصیه شده است که دختران به واسطه برخورداری از عواطف رقیق‌تر باید زودتر مورد محبت قرار گیرند.

لازم به ذکر است که چگونگی محبت والدین به فرزندان در دوره‌های مختلف رشد یکسان نیست. در دوره کودکی میزان تسلط والدین بر فرزندان بیشتر و در دوره‌های دیگر رشد از قبیل نوجوانی و جوانی میزان تسلط کمتر است. چرا که در دوره نوجوانی، همزمان با افزایش سن و رشد نوجوانی، به نوجوانان باید اختیار و آزادی کافی داده شود تا خود مختاری را تجربه و احساسات و نیازهای خود را بشناسند و در باره زندگی خود تصمیم‌گیری کنند و مسئولیت نتایج تصمیم‌گیری‌های خود را بپذیرند، آنها باید یاد بگیرند که به کمک‌های والدین نیازمندند. در واقع نکته مهم در دوره‌های بعد از کودکی، در روابط والدین و فرزندان این است که «نیاز» به کمک‌ها و حمایت‌های والدین در فرزندان ایجاد شود. در صورت ایجاد این نیاز در نوجوانان است که حضور والدین در میان نوجوانان و جوانان معنی‌دار می‌شود. از این روست که رابطه والدین با فرزندان در دوره‌های کودکی بیشتر «مستقیم» و در دوره‌های بعد از کودکی بیشتر شکل «جهت‌دهی» پیدا می‌کند، که این جهت‌دهی در بعضی از زمینه‌ها بیشتر و در بعضی از زمینه‌ها کمتر خواهد بود.

از این رو، بررسی و مرور آیات و روایات وارده در این زمینه حاکی از این است که روش محبت یکی از روش‌های مهم در سازمان دادن به شخصیت فرزندان است. در این الگوی تربیتی فرزندان علی‌رغم رفتار ناشایستی که از خودسر می‌زند مورد تنبیه واقع نمی‌شود در همین حال جنبه‌های مثبت آنها در نظر گرفته می‌شود والدین در این الگوی تربیتی معتقدند که فرزندان هرگز به قدری ناپسند رفتار نمی‌کنند که

هیچ نکته مثبتی در آن‌ها دیده نشود. بلکه حتی زمانی که به دلیل رفتار بد، او را تنبیه می‌کنند، محبت و توجه خود را از او دریغ نمی‌کنند و در انتقاد از کودک به ندرت خشونت به خرج می‌دهند. در این باره نقل شده است که کسی نزد امام کاظم (علیه السلام) رفت از رفتار فرزند خود شکایت کند. حضرت به آن شخص درباره تنبیه فرزندش فرمود:

«لا تضربه و اهجره و لا تطل» (حلی، ۱۴۰۷: ۲۸۹).

فرزندت را تنبیه بدنی مکن و برای ادب کردنش با او قهر کن، ولی قهرت طولانی نشود.

از این رو در مکتب تربیتی اسلام در استفاده از ابزارهای تربیت کمتر استفاده از ابزار تنبیه مورد توجه قرار گرفته شده است. والدین قاطع بیش از آن که کودکان خود را تنبیه کنند از او تمجید می‌کنند و می‌دانند که آنچه به طور مداوم به کودک بگویند در ذهن او نقش خواهد بست. آنان معتقدند که اگر توانایی و شایستگی در مورد کودک وجود دارد باید به او گوشزد کرد تا وی بتواند این توانایی را در خودش تقویت کند. به اعتقاد این دسته از والدین هیچ هدیه‌ای بالاتر از خودخویشتن پذیری نیست.

پیامدهای استفاده از محبت به عنوان یکی از عناصر روش مطلوب

تربیتی بر رشد روانی فرزندان

بر استفاده از محبت به عنوان یکی از عناصر روش مطلوب تربیتی اثرات روانی متعددی مرتب است که عبارتند از:

الف - دوراندیشی: از جمله پیامدهای استفاده بجا از محبت به عنوان یکی از عناصر شیوه مطلوب تربیتی والدین بر فرزندان «دور اندیشی» است. دوراندیشی در

ادبیات تعلیم و تربیت اسلامی با تدبّر مترادف است. محمد جرجانی (۱۴۰۷) در کتاب تعریفات خود آورده است: «التدبر عبارة عن النظر فی عواقب الامور»: تدبر به معنای نظر در عواقب امور و عاقبت اندیشی است.

در نظام تعلیم و تربیت اسلامی بر ویژگی روانی تدبّر پیامدهای تربیتی زیر مرتب است:

۱- افراد مدبّر از استعدادهای خود حداکثر استفاده و از پشیمانی در امان هستند. امیرمؤمنان (علیه السلام) در وصیت خود به فرزندش «محمد حنفیه» این حقیقت را بدو گوشزد می کند و می فرماید:

«التدبیر قبل العمل، یؤمنک من الندم» (قمی، ۱۴۰۴: ۳۸۸).

چاره اندیشی پیش از دست زدن به کار تو را از پشیمانی ایمن خواهد داشت. از جمله اهداف در نظام تربیتی اسلام این است که مریبان اعم از والدین و معلمان فرزندان را به گونه ای بار آورند که از ظواهر امور عبور کنند و عاقبت اندیش شوند، زیرا هیچ چیز مانند توقف در ظواهر امور و غفلت از عواقب و نیندیشیدن در فرجام کارها، آدمی را از سیر به سوی کمال باز نمی دارد. قرآن کریم در توصیف افرادی که از تدبیر بی بهره اند می فرماید:

«يَعْمَلُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم / ۷)

«اکثر به امور ظاهری زندگی دنیا مانند صنعت و تجارت و غیره آگاهند و از عالم آخرت وعده ثواب و عقاب حق به کلی بی خبرند.»

۲- دیگر پیامدهای تربیتی افراد مدبر این است که این دسته از افراد همواره از خطاها و ناهنجاری های روانی مصون هستند. امام علی (علیه السلام) در وصیت خود به فرزندش امام حسن (علیه السلام) چنین فرموده است:

«الفکر فی الامر قبل ملاسته یومن الزلل» (آمدی تمیمی، ج ۲، ۱۴۰۷: ۶۹).

«اندیشیدن در عواقب هر کاری پیش از انجام دادن آن از لغزش ایمن می سازد.»
وی در جای دیگر می فرماید:

«من نظر فی العواقب سلم من النوائب» (آمدی تمیمی، ج ۵، ۱۴۰۷: ۲۱۴).

«هر که در عاقبت امور نظر کند از مصیبت ها سالم می ماند.»

یا در جایی دیگر می فرماید:

«من فکر فی العواقب امن المعاطب» (آمدی تمیمی، ج ۵، ۱۴۰۷: ۳۱۶).

«هر که در عاقبت کار ها بیندیشد از هلاکت ها ایمن گردد.»

ملاحظه می شود که عاقبت اندیشی در امور که معلول روش تربیتی صحیح والدین است انسان را در مقابل مصائب، آسیب ها و ناهنجاری ها ایمن یا مصون نگه می دارد و توان انسان را در برخورد با موقعیت های مختلف دو چندان می نماید.

ب - دیگر پیامد این تعامل مطلوب تربیتی، پرورش «عزت نفس» یا به زبان روایات «کرامت نفس» در فرزندان است. انسان به سبب کرامتش از دنیای دون که ریشه همه پستی ها و گناهان است آزاد می شود و خود را برتر از آن می یابد که تن به حقارت های دنیایی دهد. دنیا در چشم انسان کریم خرد می نماید. چنین انسانی هرگز دل به دنیا نمی بندد. از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود:

«فمن کرمت علیه نفسه صغرت الدنيا فی عینه و من هانت علیه نفسه کبرت الدنيا فی عینه» (شعیری، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

«هر که کرامت نفس داشته باشد، دنیا در چشمش کوچک است و هر که حقارت نفس داشته باشد دنیا در چشمش بزرگ است.»

از این رو بهترین راه دور کردن انسان از امور پست و سیر دادن به امور بالا، عزت بخشیدن به انسان و ویژگی های اوست. امام زین العابدین (علیه السلام) فرموده است:

«من کرمت علیه نفسه هانت علیه الدنيا» (شعبه الحرانی، ۱۴۰۴: ۲۱۴).

«هر که کرامت نفس داشته باشد، دنیا نزد او حقیر و ناچیز است.»
انسان وقتی کرامت داشته باشد، میل به مکارم در او شکوفا می‌شود و خود را برتر از آن می‌بیند که به سوی حرام‌ها که پستی‌آور است میل کند. کسی که کرامت دارد، در پی امیال حیوانی و تمایلات نفسانی نمی‌رود و ارزش‌های انسانی و معنوی خود را بدین امور زیر پا نمی‌گذارد.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در این باره فرموده است:

«من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته» (آمدی تمیمی، ج ۲، ۱۴۰۷: ۲۱۳).

«هر که کرامت نفس داشته باشد، شهوات و تمایلات نفسانی اش نزد او خوار و حقیر است.»

در آموزه‌های تعلیم و تربیت اسلامی کرامت نفس با شکست ناپذیری مترادف است. از این رو شکست ناپذیری در زندگی عزت بخشی است. عزت ثمره اسلام و بندگی است. عزت اصالتاً از آن خداوند است. در این باره در قرآن کریم آمده است:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً» (فاطر / ۱۰).

«هر که طالب عزت است بداند که همانا در ملک وجود تمام عزت خاص خدا و خداپرستان است و دیگران همه خوار و ذلیلند.»

هر که از راه بندگی خدا عزت جوید، به عزت حقیقی رسد و خداوند او را استوار، نفوذناپذیر و راسخ و شکست ناپذیر سازد و این سنت اوست. عزت همچون دژی است که حافظ عقیده و عمل انسان است و با شکسته شدن آن همه چیز انسان در معرض خطر قرار می‌گیرد. بنابراین انسان باید عزت خود را نگه دارد و تن به اموری ندهد که آن را آسیب می‌رساند.

پدیده عزت بخشی نزد مربیان الهی چنان اهمیت دارد که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود:

«اطلبوا الحوائج بعزه الانفس» (سیوطی، ۱۴۰۱: ۱۶۸).

نیازها و خواسته‌های خود را با عزت نفس بخواهید.

ایجاد و رشد عزت نفس در جامعه موجد «سلامت جسمی و روانی» شهروندان است. عزت حافظ «آزادی» است. از این رو باید علل و اسباب توسعه فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در عزت فرد و جامعه جستجو کرد. از این رو بر والدین یا به عبارتی خانواده‌هاست که زمینه عزت فرد و جامعه را فراهم نمایند.

نتیجه‌گیری

یکی از کانون‌های عمده تربیتی کانون خانواده است. از رسالت‌های کانون خانواده یا به عبارتی والدین در برخورد با فرزندان این است که زمینه را برای رشد اعم از فیزیکی و روانی آنان فراهم نماید. در چارچوب خانواده ابزار فراهم نمودن رشد روانی در فرزندان، اتخاذ روش مطلوب تربیتی توسط والدین در برخورد با فرزندان است.

براساس مطالعات انجام شده در حوزه روانشناسی روش مطلوب تربیتی، روشی است که والدین ترکیب متعادلی از پذیرش (پاسخ‌دهی) و کنترل را در برخورد با فرزندان اعمال نمایند. در حالی که در مکتب تربیتی اسلام بر اساس مرور آیات و احادیث وارده روش مطلوب تربیتی روشی است که والدین ترکیب متعادلی از محبت، کنترل، مشارکت، تسهیل و تیسیر، تدرج و تمکن، کرامت نفس و عزت بخشی را در برخورد با فرزندان به کار بندند. ملاحظه می‌شود که مکتب تربیتی اسلام نگاه جامع و کامل‌تری را پیش روی اولیاء در برخورد با فرزندان گذاشته است. به کارگیری روش مطلوب تربیتی توسط والدین در برخورد با فرزندان دارای پیامدهایی

است. از جمله این اثرات می‌توان به شکل‌گیری و پرورش تدبّر، کرامت نفس و عزّت بخشی که هر کدام برای خود دارای اثراتی دیگر است اشاره کرد. از این روست که به سیاستگذاران و نظریه پردازان امر توسعه در زمینه‌های مختلف به ویژه، در زمینه تعلیم و تربیت پیشنهاد می‌شود که جهت استفاده بهینه از نیروهای فعال جامعه در فرایند توسعه در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی، لازم است به «آموزش خانواده‌ها» و «آگاه نمودن آنها نسبت به شیوه مناسب تربیتی» و «چرایی و چگونگی استفاده متعادل از آن عوامل» بپردازند.

منابع فارسی

- قرآن کریم، مترجم، استاد الهی قمشه ای (۱۳۷۴)، تهران: انتشارات رشیدی، چاپ ششم.
- اکرمی، سیدکاظم (۱۳۸۳). نقش تربیتی امام خمینی (ره) در محیط خانوادگی. دو ماهنامه مجله دانشکده علوم انسانی، تعلیم و تربیت اسلامی ۲، سال ۱۳، ش ۵۰. ص: ۷-۴۰.
- آمدی تمیمی، عبدالواحد، (۱۴۰۷ق) شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میر جلال‌الدین حسینی ارموی (۱۳۶۰)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- جرجانی، الشریف علی بن محمد (۱۴۰۷) التعریقات، تحقیق عبدالرحمن عمیره، بیروت: عالم الکتب.
- حر عاملی، محمدبن الحسن (ت ۱۱۰۴ق) وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۵، به تصحیح و تحقیق و تزییل عبدالرحیم ربانی شیرازی و محمد رازی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حلی، احمدبن فهد، (۱۴۰۷) عده الداعی و نجاح الساعی، صححه و علق علیه احمد الموحدی القمی، الطبعة الاولى، بیروت: دارالمرتضی، دارالکتب الاسلامی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۶). سیری در تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۱ق) الجامع الصغیر فی احادیث البشیر التذیر، ج ۱، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- شعبه الحرانی، ابومحمدالحسن بن علی بن الحسین (۱۴۰۴ق) تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم.
- الشعیری، محمدبن محمد (۱۳۸۲ ق). (از عالمان قرن هفتم). جامع الاخبار، تحقیق حسن المصطفوی. تهران: مرکز نشر کتاب. (۱۳۳۹ش).

- قمی، ابوجعفر محمدبن علی بن الحسین بن بابویه (۱۴۰۴ق) من لا یحضره الفقیه، ج ۴، تحقیق علی اکبر غفاری. جامعه المدرسین، قم، چاپ دوم.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۷۱). بررسی همبستگی اختلالات عاطفی کودکان دبستانی با هوش و یادگیری آنها، فصلنامه تعلیم و تربیت: سال ۸، ش ۴.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۷۹). روان شناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی، تهران: سازمان ملی جوانان.
- وزیری، مجید (۱۳۸۴). حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح (بی تا). تاریخ یعقوبی. ج ۲، قم: مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت.

منابع انگلیسی

- Brown , B, & Francis , S.(1993). **Participation in school – sponsored and independent sports: Perception of self and family**. *Adolescence*, 28,383-391.
- Eisenberg,N&Losoya,S.(1997). **Emotional responding: Regulation, social correlates & socialization** In P. Salovey & D.J.Stuyter (Eds.) **Emotional development and emotional intelligence** (pp.129-162).New York:basic books.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی